





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

در صحنه‌ی غدیر

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: محمدمهدی رکنی یزدی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه‌آرایی: محمود کریم‌پور

ناشر: انتشارات قدس رضوی

تیراژ: ۵۰۰۰

نوبت چاپ: سوم ۱۳۹۳

نشانی: حرم مطهر امام رضا علیه السلام، صحن جامع رضوی، مدیریت فرهنگی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷، دورنگار: ۳۵۱-۹۱۲۳۵

# درصحنہء غدیر

محمد مہدی رکنے

- ۸ ..... غدیر چیست؟
- ۹ ..... غدیر خُم کجاست؟
- ۱۰ ..... عید غدیر.
- ۱۳ ..... در صحنه غدیر و حضور رسول خدا ﷺ
- ۱۶ ..... خطبه رسول اکرم ﷺ در غدیر خُم.
- ۸۴ ..... پیام غدیر.

سخن از رویداد غدیر و اثبات درستی آن، بازخوانی یک داستان گذشته تاریخی نیست؛ بلکه ارتباط مستقیم با عقیده دینی و نظر سیاسی ما دارد و طرح آن برای آشنایی بیشتر با سرگذشت اسلام و سنت نبوی و تشیع علوی است. آری؛ برای آگاهی از تعلیمات قرآن درباره حکومت و اداره اجتماع و آنچه فلسفه سیاسی اسلام می‌خوانیم، چاره‌ای جز حضور در «صحنه غدیر» نداریم:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در هجده ذی قعدة سال دهم هجری، بعد از گزاردن مراسم حج و در بازگشت به مدینه، به امر پروردگار،<sup>۱</sup> در دشت تفتیده جُحفه، در کنار آبگیر خُم و با حضور انبوهی از حج‌گزاران، مجلسی بی‌نظیر تشکیل دادند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در این گردهمایی عظیم، ضمن چند ساعت سخنرانی و ارشاد و وصیت، امام و رهبر و فرمانروا و زمامدار مسلمین را برای آخرین بار به صورت عمومی و رسمی معرفی و تکلیف امت اسلام را تا پایان جهان معین کردند؛ شرایط حاکم و حکومت اسلامی را نام برد و ایمان و نفاق و حق و باطل، همه را آشکارا و با تأکید بیان کرد.

عیدشمردن روز غدیر و یادآوری حادثه‌ای که در بردارد و بازگوکردن خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این روز عزیز که محدثان و مورخان و مفسران، ذیل آیات مربوط به آن، از اهل سنت نیز نقل کرده‌اند؛ نه تنها نباید برادران سنی ما را دلگیر کند، بلکه بر پایه حقیقت‌طلبی و شناخت وقایع مسلم تاریخی، باید مورد استقبال آن‌ها نیز قرار گیرد و در این مطلب بیندیشند که چرا علمای بزرگ و مصلحان خیراندیش از هزار سال قبل، بر این روز و رویداد آن تکیه کرده‌اند؟

در بررسی علمی و بی‌تعصب به این نتیجه می‌رسیم که خطبه‌ی غدیر با حیات اجتماعی اسلام و استقلال و آزادی مسلمانان ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا بحث امامت علاوه بر بُعد معنوی و ویژگی‌های امام معصوم، پاسخ این سؤال است که زمام امور مسلمین باید در دست چه گروهی باشد؟ آنان که حقوق سیاسی را در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تحصیل کرده‌اند و تحت تأثیر آراء آن‌ها هستند یا فقیهانی باتقوا، بابصیرت و آگاه به اوضاع زمان که از قرآن مجید و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شیوه حکومت امام علی و فرزندان معصومشان عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌توانند در «حوادث واقعه»، تکلیف مسلمانان را استنباط کنند و با بهره‌گیری از متخصصان هر رشته علمی سیاست کشورهای اسلامی را تدوین کنند؟ به‌راستی کدام گروه برای زمامداری شایسته‌اند؟

خطبه‌ی ارزشمند غدیر، شرایط رهبری و سیاست کلی کشورهای اسلامی را تعیین می‌کند که در زمان ما و عصر اطلاعات اهمیت بیشتری نیز یافته است.

ما طرح چنین بحث‌هایی را در این زمان که بیش از هر زمان دیگری، شیعه و سنی به اتحاد و تفاهم نیاز دارند، نه تنها مایه اختلاف نمی‌دانیم؛ بلکه بهترین راه برای معرفی مبانی تشیع و ایجاد حسن تفاهم با برادران اهل سنت برمی‌شمیریم و معتقدیم که در عصر تحقیق و تفحص، این روش بحث و استدلال، برای زدودن شبهات و رفع تهمت‌هایی که دشمنان مشترک ما به هر دو فرقه شیعه و سنی زده‌اند، عاقلانه‌ترین شیوه است.

با اندکی تفکر درمی‌یابیم که مسلمانان در جهان سُلطه جوی کنونی و باوجود مستکبران، دو وظیفه مهم دارند: نخست، وظیفه سیاسی اسلامی

که آن، احتراز از مایه‌های تفرقه و ایجاد وسایل اتحاد و حُسن تفاهم است تا طبق حدیث معروف نبوی، همه مقابل غیرمسلمانان، برادروارِ قدرت واحد باشیم.<sup>۱</sup>

دومین وظیفه شناخت واقعیات تاریخ اسلام است و آنچه بر سر مسلمین آمده است که به صورت کشورهای کوچکِ مخالف یکدیگر درآمده‌اند! این سرگذشت غم‌انگیز را باید در تاریخ چند قرن اخیر کشورهای استعمارگر غربی و مستعمره‌ها خواند که جای شرحش نیست؛ پس به چند بحث مقدماتی دیگر دربارهٔ غدیر می‌پردازیم.

---

۲۱. امالی المفید، ص ۱۸۷: اشاره به بخشی از گفتار نبی اکرم ﷺ در مسجد خیف که فرموده‌اند: «الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ...؛ مؤمنان برادرند، خونشان برابر است و در برابر غیر خودشان همدست هستند...» (تَحْفَ الْعُقُول / ص ۴۱)

در بیابان‌های خشک، رگبارهایی در بهاران فرو می‌ریزد و گودال‌هایی خُرد و گلان در دامنه کوه و دشت، تشنه و آماده، به قدر گنجایش خود، آب باران را در بر می‌گیرند و ذخیره می‌کنند.

این مایه حیات، رویش گیاهان و درختانی خاص را سبب می‌شود و در آن هوای گرم، رهگذران را به خود می‌خواند تا دمی بیاسایند... این‌گونه است که «غدیرها» در طبیعت شکل می‌گیرند و از آن‌ها استفاده می‌شود.

«غدیر» در پارسی به آبگیر، برکه، تالاب و شمر معنا شده است.<sup>۱</sup>

در آثار اسلامی، در شعر، نثر، تاریخ، حدیث و تفسیر با ترکیب‌های واقعه غدیر، روز غدیر، عید غدیر، حدیث غدیر و غدیر خم مکرر برمی‌خوریم. مقصود از همه این‌ها رویداد تاریخی هجده ذی حجه سال دهم هجری و سخنرانی بلندی است که رسول اکرم ﷺ بعد از اقامه نماز ظهر در کنار غدیر خم بیان فرمودند و در آن، مناقب علی بن ابی طالب را بر شمرده و این بزرگوار را به امامت و ولایت مسلمین منصوب کردند.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، غدیر. شواهد شعری فارسی را در این مأخذ می‌توان دید.



در سرزمین عربستان، بین دو شهر بزرگ مکه و مدینه، در فاصله دو میلی جُحفه، آبگیری است به نام «خُم»<sup>۱</sup>.

اهمیت آب در چنین مناطق خشکی، موجب شده است که نام این غدیر به صحرائی که در آن واقع شده است نیز گفته شود؛ بدین جهت غدیرخم را وادی بین مکه و مدینه، در نزدیکی جُحفه که پیغمبر ﷺ در آن خطبه خواندند نیز نوشته‌اند.<sup>۲</sup>

غدیرخم با چند تک‌درخت بیابانی و آب درون برکه، منزلگاه مناسبی برای کاروانیان و رهگذران فرسوده میان مکه و مدینه است. به علاوه از نظر جغرافیایی هم موقعیتی خاص دارد؛ از این جهت که در بازگشت از مکه، راه اهل مدینه و مصریان و عراقیان در آنجا از یکدیگر جدا می‌شود؛ بنابراین مکان مناسبی برای سخنرانی عمومی و ابلاغ مطلبی همگانی است. پس علت انتخاب آن محل خاص، موقعیت جغرافیایی‌اش بوده است.

از دیرزمان که جغرافی‌دانان و تاریخ‌نویسان، نامی از «غدیرخم» برده‌اند، این واقعه را یادآور شده‌اند که پیامبر معظم اسلام ﷺ در آنجا خطبه‌ای بلیغ در فضایل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و اولویّت و امامتش ایراد کرد که انبوهی از مسلمانان آن را شنیدند. تعداد این جمعیت را تا بیش از صد هزار تن هم گفته‌اند.

۱. مُعْجَمُ الْبُلْدَانِ، ياقوت حموي: خُم.

۲. وفيات الأعيان، ج ۲، ص ۲۲۳.

در تاریخ کهن‌سال بشر، روزهای مهم و سرنوشت‌سازی وجود دارد. موّرخان به دلیل اهمیت فراوان و آثار مفید این ایام، با یادآوری مجدّد هرساله، آن روزها را در خاطر مردم ضبط می‌کنند و بدین‌گونه شناسنامه فرهنگی و کارنامه افتخارات کشورها نگاشته می‌شود.

این روزهای افتخارآفرین، در تقویم و تاریخ‌های ملت‌ها، «عید» نامیده می‌شود؛ یعنی روزی که پیروزی ملّی یا شادمانی عمومی در آن «عَود» می‌کند و خاطرات خوش گذشتگان و موفقیت‌های قومی یا دینی و اعتقادی، تجدید می‌شود.

در آیین اسلام که بر پایه ایمان و عمل صالح پایه‌گذاری شده است، دو عید بزرگ فطر و قربان، یکی بعد از پایان یک ماه روزه‌داری و تزکیه نفس و دیگری با حضور در آیین جهانی حج و بیرون رفتن از تعلقات مادی وضع شده است؛ یعنی مسرت و شکرگذاری از توفیقی که برای ادای فریضه روزه و حج پیدا کرده است.

بعضی از اعیاد دیگر، به مناسبت رویدادهای مهم تاریخی است که منشأ هدایت و فلاح انسان‌ها شده است؛ مانند: عید مبعث و غدیر. اگر علت اهمیت ایام را آثار معنوی و تربیتی آن‌ها بدانیم، بی‌شک بعد از مبعث رسول خدا ﷺ، روز غدیر، مهم‌ترین و گرامی‌ترین روزهاست و سزاوار بزرگداشت و عیدگرفتن؛ زیرا ادامه مبعث و تکمیل همان انگیزش فرهنگی و گذر از ظلمت جهل و شرک به نور علم و یکتاپرستی و از عداوت زمان جاهلیت به برادری اسلامی است.

عید غدیر، روز اکمال دین و اتمام نعمت اسلام است؛ زیرا روزی است که در آن، شایسته‌ترین رهبر و حاکم دادگستر برای اجرای احکام قرآن

تعیین و تثبیت شده است.

عید غدیر، روزی است که در آن، زمام مسلمانان به دست عدالت محض و حق آشکار و توحید خالص سپرده شده است.

عید غدیر روزی است که امامت و امیرمؤمنان بودن علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداوند عالم، به زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ شده و دروفای به آن، از مسلمانان پیمان گرفته شده است و بزرگان اصحاب بر این منصب به او (امام علی علیه السلام) تبریک و تهنیت گفتند و حسان بن ثابت به زبان رسای شعر، واقعه را بازگو کرد.<sup>۱</sup>

این مزایا سبب شده است که هجدهم ذی حجه برتری خاصی پیدا کند و در سرشت خود، روزی مبارک و فرخنده و شایسته عید بودن باشد؛ به ویژه که از سوی امامان معصوم علیهم السلام نیز به اهمیت و عید بودنش تصریح شده است. از جمله امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود و آن بزرگواران علیهم السلام از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: «روز غدیر با فضیلت‌ترین عیدهای امت من است و آن روزی است که خدای تعالی امر کرد که برادرم علی بن ابی طالب را نشانی راهنما در مسیر حیات ائمه قرار دهم تا پس از من، به وسیله او راه یابند و به ضلالت نیفتند. [غدیر،] روزی است که خدا دین را در آن کامل و نعمت را بر ائمه تمام کرد و خشنود شد که اسلام، دین آنان باشد.»<sup>۲</sup>

سیره امام رضا علیه السلام نیز چنین بود که در روز غدیر، شیعیان و اطرافیان

۱. نک: الغدیر، ج ۱.

۲. نک: الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

خود را اکرام می‌کردند و بیش از آنچه رسم بود، به آنان هدیه می‌دادند.<sup>۱</sup> عیدبودن غدیرخم، در کتب تاریخی هم منعکس است؛ چنان‌که ریاضی‌دان و مورخ بزرگ، ابوریحان بیرونی نوشته است: «روز هجدهم ذی‌حجه، عید غدیرخم است و آن منزلی<sup>۲</sup> است که پیغمبر ﷺ پس از حجة‌الوداع، در آنجا فرود آمد...»<sup>۳</sup>

این دانشمند، در ادامه این مطلب، گفتار حضرت محمد ﷺ را درزمینه ولایت و تفضیل امام علی علیه السلام نقل می‌کند.

۱. نک: همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲. محل نزول کاروان

۳. ترجمه آثار الباقیه، ص ۳۹۵؛ متن عربی، ص ۳۳۴.

انسان این توان را دارد که بر بال اندیشه نشسته و در سفری معنوی، فکر خود را به قرن‌های گذشته بفرستد. از این توانایی استفاده می‌کنیم و از میان حوادث سرنوشت‌ساز گذشته، مقطعی از تاریخ اسلام، یعنی سال دهم هجری و روز هجدهم ذی‌حجه را برمی‌گزینیم تا بنگریم صحنه‌ای را که تاریخ‌نویسان و مفسران برای ما ترسیم کرده‌اند:

اینک دشت جُحفه را لبریز از جمعیت می‌بینیم. شوق شنیدن آخرین تعلیمات پیامبر اکرم ﷺ، ضربان قلب‌ها را با نرم‌آهنگ عبور لحظه‌ها در هم آمیخته و دیدن چهره ملکوتی‌اش چشم‌ها را از انتظار پُر و گرمای آفتاب تن‌گداز را تحمل‌پذیر کرده است.

با دست خیال، پرده قرون را کنار می‌زنیم و با پای اندیشه، خویشتن را به انبوه هزاران صحابی حج‌گزارده می‌رسانیم. برای نیوشیدن نوای آسمانی پیامبرمان که از عمق وجود مبارکشان برمی‌خیزد، در مجلس می‌نشینیم و گفتار آن عزیز ﷺ را استماع می‌کنیم که با تکرار مُعیدها<sup>۱</sup> به گوش همگان رسانده می‌شود:

توحید خالص، کمال عبودیت در برابر پروردگار جهانیان و تسلیم بودن در برابر حُکمش، ادای وظیفه پیغام‌رسانی، اعتراف گرفتن از حاضران بر رساندن پیام الهی، بیم از انحراف امت پس از وی و برحذر داشتن از آن، ویژگی و خصوصیات مؤمنان و منافقان، شاهد آوردن از آیات قرآن، بشارت و انداز، معرفی آشکار و مکرر حضرت علی علیه السلام به امامت و توصیه به اطاعت

۱. مُعید: اعاده‌کننده درس یا گفتار (نک: لغت‌نامه دهخدا). در گذشته، در مجالس تدریس یا سخنرانی‌هایی که جمعیت زیاد بوده است، از اشخاصی که صوتی رسا داشتند، برای تکرار مطالب استفاده می‌کردند. این افراد، مُعید خوانده می‌شدند.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ،  
 وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ  
 جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ، بَارِئُ  
 الْمُسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمُدْحُوتِ، وَجَبَّارَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ.  
 سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَمِّضٌ عَلَى جَمِيعٍ مَن بَرَّاهُ  
 مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَن أَنْشَأَهُ.  
 يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ. قَدْ وَسِعَ كُلَّ  
 شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَمَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَا يُعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا  
 اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.



به نام خدای بخشندهٔ مهربان

سپاس و ستایش خدایی را که در یکتایی خود، بلندمرتبه و در عین یگانگی، به موجودات نزدیک است؛ سلطنتش شکوهمند و ارکان قدرتش با عظمت است. بدون هیچ حرکت و انتقالی، علم و آگاهی‌اش همه چیز را فرا گرفته است و با قدرت و بُرهانش، بر عموم آفریدگان قاهر و غالب است.

بزرگواری‌هایش دائم و همواره مورد حمد و ستایش است. بر فرازندهٔ بلندی‌ها و گسترانندهٔ سطح زمین و مسلط بر زمین و آسمان‌هاست. بسیار منزه و پاک از هر عیب و بدی و پروردگار فرشتگان و روح است. تفضل‌کننده است بر آنچه پدید آورده و افزون بخش است بر آنچه ایجاد کرده است.

هر چشمی را می‌بیند؛ ولی چشم‌ها او را نمی‌بینند. کریم و بُردباری است که بندگان را مهلت می‌دهد (با آن‌ها مدارا می‌کند). رحمتِ وسیعش همه چیز را فرا گرفته و با نعمتِ فراوانش، به آفریده‌هایش احسان کرده است. در انتقام‌گرفتن [از گردنکشان] شتاب نکند و در عذابی که استحقاقش را یافته‌اند، سرعت نگیرد.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الصَّمَائِرَ وَ لَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ، وَ لَا  
اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ.

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ  
وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. وَ لَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا  
شَيْءٌ.

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ  
الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ، وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضْعَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَ  
عَلَانِيَتِهِ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَ الَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَ الَّذِي  
يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ،

مطالب پنهانی را می‌فهمد و به آنچه در ضمیر و باطن افراد است، علم دارد؛ چراکه نهفته‌ها بروی پوشیده نیست و آنچه مخفی است، موجب اشتباه او نمی‌شود. او را بر همه چیز احاطه و غلبه است، توان و نیرویش در هر شیء، نافذ و قدرتش بر همه چیز مسلط است، او را هیچ مثل و مانندی نیست؛ هستی‌بخش اشیاست؛ آنگاه که هیچ چیز وجود نداشت.

جاویدان موجودی است که برپای دارنده قسط<sup>۱</sup> است. معبودی نیست جز او که عزیز<sup>۲</sup> و حکیم<sup>۳</sup> است.

برتر است از اینکه دیدگان او را دریابند؛ ولی او دیدگان را دریافته می‌بیند؛ چراکه او لطیف<sup>۴</sup> و آگاه است. هیچ کس با دیدن، نمی‌تواند او را وصف کند و آحدی چگونگی نهان و آشکار او را نمی‌یابد، جز آنچه ذات عز و جل، خود به شناسایی‌اش دلالت فرموده است.

شهادت می‌دهم اوست خدایی که آثار قدس و پاکی‌اش سراسر گیتی را پر کرده است؛ اوست خدایی که نورش ابدیت را فرا گرفته است. آفریدگاری که فرمانش را بدون مشورت با کسی اجرا می‌کند.

۱. نصیب و قسمتی که عادلانه به هر فرد برسد.

۲. قاهر و غالبی که هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود.

۳. دانای حقیقی، استوارکار، درست‌کار، درست‌گفتار.

۴. عالم به دقائق امور، باریک‌دان.

وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ، وَلَا تَفَاوُتٌ فِي تَدْيِيرٍ. صَوَّرَ مَا أُنْبِغَ عَلَى غَيْرِ  
مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالٍ.  
أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ  
الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ.

أَلْعَدُلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.  
وَأَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ.  
مَلِكُ الْأَمْلاَكِ وَمُفْلِكُ الْأَفْلاَكِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرِي  
لِأَجَلٍ مُسَمًّى.

يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ، يَطْلُبُهُ حَيْثُ نَأَى.  
قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَمُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

و در تقدیر و اندازه‌گیری امور برای او شریک وجود ندارد و در تدبیرش هیچ اختلاف و نابسامانی نیست.

آنچه را ایجاد کرده، بدون الگو و نمونه قبلی به تصویر کشیده و هر آنچه را آفریده، بی‌کمک آحدی و بدون به‌رنج‌افتادن و چاره‌جویی بوده است.

آفرید؛ پس موجودات، هستی یافتند؛ ایجاد کرد و عالم، ظهور یافت؛ پس اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ صنّعش استوار و نوساخته‌اش نیکوست.

همه عدل است و ستم نکند و کریمی است که بازگشت امور عالم به اوست.

گواهی می‌دهم اوست خدایی که همه چیز در برابر قدرتش به فروتنی سرنهاده و در برابر شکوهش خاضع و کوچک است.

مالک و صاحب املاک (مال‌ها و حکومت‌ها) و گرداننده افلاک است. تسخیرکننده خورشید و ماه است که هر یک تا زمان معلومی به حرکت خود ادامه می‌دهد. توانایی است که شب را به روز و روز را به شب می‌پوشاند درحالی‌که هر یک، دیگری را شتابان می‌طلبد.

درهم شکننده هر ستمگر کینه‌توز و ستیزه‌جو و نابودکننده هر شیطان سرکش است.

لَمْ يَكُنْ مَعَهُ صِدٌّ وَلَا نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ  
كُفُوًا أَحَدٌ.

إِلَهُ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جِدَّ يَشَاءُ فَيُمِضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُحْصِي،  
وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي.

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْعَفَّارُ.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَرَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ.

لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَلَا يُبْرِمُهُ

إِلْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ.

برای او ضد و شبیه و شریکی<sup>۱</sup> نیست. یکتایی است که مقصود همگان و پناه نیازمندان است؛ نمی‌زاید و زاییده هم نشده است؛ هیچ‌کس هم‌تا و همانند او نیست.

خدایی یگانه و پروردگاری بلندمرتبه که آنچه بخواهد، اجرا می‌کند و هرچه را اراده فرماید، برطبق آن حکم می‌کند. همه چیز را می‌داند و شماره می‌کند؛ می‌میراند و زنده می‌کند؛ تهی دست کرده و بی‌نیاز می‌کند؛ می‌خنداند و به گریه درمی‌آورد؛ عطایش را باز می‌گیرد و می‌بخشد؛ سلطنت و فرمانروایی برای او و ستایش، ویژه اوست؛ خوبی‌ها همه به دست اوست و بر همه چیز تواناست؛ شب را به روز و روز را به شب داخل می‌کند. معبودی نیست جز او که قدرتمند بسیار آمرزنده است. اجابت‌کننده دعا و بخشنده عطا، شمارشگر نفس‌ها و پروردگار چن و مردم می‌باشد.

هیچ کاری برای او سخت و دشوار نیست، فریاد دردمندان او را آزرده و دل‌تنگ نسازد و پافشاری اصرارکنندگان او را ملول و خسته نکند.

۱. نک: المفردات: «نَدِيدُ الشَّيْءِ مُشَارِكُهُ فِي جَوْهَرِهِ وَ ذَالِكَ ضَرْبٌ مِنَ الْمُمَائِلَةِ» (ندید هر شیء شریک در ذاتش بوده و این نوعی از همانندی است.)

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَفَّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛  
الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ أَحْمَدُهُ عَلَى السَّرَائِرِ  
وَ الصَّرَائِرِ وَ الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ.

وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ أَمْرَهُ وَ أُطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى  
كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَ اسْتَسْلِمُ لِقَضَائِهِ، رَعْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ،  
لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَ لَا يَخَافُ جَوْرُهُ.

وَ أَقِرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى  
إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ، فَتَحَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنْ  
عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمِنَ لِي  
تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ:



نگهدار شایستگان [از خطا و لغزش]، توفیق‌بخش رستگاران، صاحب‌اختیار مؤمنان و پروردگار جهانیان است. چنین خدایی حق دارد و سزوارست که همهٔ آفریدگان شکرش کنند و درشادی و بدحالی و سختی و راحتی، سپاس و حمدش گویند.

به او و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولانش ایمان دارم. امرش را می‌شنوم و اطاعت می‌کنم. به هر کاری که او را خشنود می‌کند، سرعت می‌گیرم. حُکمش را گردن نهاده و تسلیم می‌شوم؛ چراکه طاعتش را مایل بوده از عقوبتش بیمناکم؛ زیرا او خدایی است نه فردی از مکر و فروگرفتن ناگهانی‌اش ایمن است و نه وحشت و ترسی از ظلمش دارد.

به بندگی‌ام در برابر خداوند اقرار می‌کنم و به پروردگاری‌اش گواهی می‌دهم. آنچه بر من وحی کرده است، ادا می‌کنم؛ زیرا می‌ترسم که اگر انجام ندهم، عذابِ کوبنده‌ای از طرف او بر من فرود آید که آحدی نتواند آن را از من دفع کند؛ هرچند بسیار تدبیر و چاره‌سازی کند چراکه جز او خدایی نیست.

همانا او به من اعلام فرمود که اگر آنچه بر من نازل شده است، ابلاغ نکنم؛ وظیفهٔ رسولی و پیام‌رسانی او را انجام نداده‌ام و خدای تعالی هم ضمانت کرده است که مرا حفظ کند و او خدای کفایت‌کنندهٔ کریم است؛ پس بر من وحی فرستاد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup>  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنزِلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ وَأَنَا مُبَيِّنٌ  
 لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ.

إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ  
 السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ أَنْ عَلَيَّ  
 بِنَ أَبِي طَالِبٍ عَ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ  
 مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي . وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ  
 وَرَسُولِهِ . وَقَدْ أُنزِلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: ﴿إِنَّمَا  
 وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
 وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۲</sup>

۱. مائده، ۶۷.

۲. مائده، ۵۵.

به نام خدای بسیار بخشندهٔ مهربان

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شد، به مردم برسان که اگر چنین نکنی و نرسانی، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای [و وظیفهٔ پیغامبری را ادا نکرده‌ای؛ نترس که] خدا تو را از شرّ مردم حفظ خواهد کرد.<sup>۱</sup>

ای مردم! در رساندن آنچه خدای تعالی بر من نازل کرده است، کوتاهی نکرده‌ام و اینک سببِ نزولِ این آیه را برای شما روشن می‌کنم: همانا جبرئیل علیه السلام سه مرتبه بر من فرود آمد و از طرف خداوندِ سلام،<sup>۲</sup> پروردگارم - و فقط او سلام است - به من فرمان داد که در این جمع و حضور همگانی بر پا ایستم و بر هر سفیدپوست و سیاه‌چهره‌ای (همگان) اعلام کنم که علی، فرزند ابوطالب، برادر و وصی و جانشین من و امام بعد از من است. [او] آن [کسی است] که نسبت و منزلتش به من، مانند نسبت و موقعیت هارون به موسی است؛ جز اینکه بعد از من، پیامبری نیست.

او بعد از خدا و پیامبرش، ولی و سرپرست شماست. خدای تبارک و تعالی در این باره آیه‌ای از کتابش بر من فرو فرستاد: «همانا ولیّ امر و صاحب اختیار شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی خواهند بود که نماز را به پا داشته و در حال رکوع [به فقیر] زکات می‌دهند».<sup>۳</sup>

۱. مائده، ۶۷؛ برای ملاحظهٔ شأن نزول این آیه نک: الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. نک: المفردات: خدای تعالی از آن جهت به «سلام» موصوف شده است که از عیوب و آفاتی که به خلق می‌رسد، سالم و دورست.

۳. مائده، ۵۵؛ به اتفاق نظر مفسران عامّه و خاصّه، این آیه در شأن امام علی علیه السلام نازل شده است. نک: الکشاف، ج ۱، ص ۶۴۹؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۱۱؛ تفاسیر دیگر، ذیل همین آیه.

وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ  
اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ .

وَ سَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ  
لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ إِدْعَالِ الْأَثِمِينَ وَ خْتَلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ  
بِالإِسْلَامِ ،

الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسِّتَةِ مَا لَيْسَ فِي  
قُلُوبِهِمْ ، وَ «يَحْسَبُونَهُ هَيِّئاً وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»<sup>۱</sup> . وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ  
مَرَّةٍ ، حَتَّى سَمَوْنِي أُذُنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِقْبَالِي  
عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا: ﴿وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ  
وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةٌ  
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ الْآيَةُ ٢﴾

۱ . نور، ۱۵؛ باندى تفاوت .

۲ . توبه، ۶۱ .

و این علی پسر ابوطالب است که نماز را به پا داشت و در حال رکوع، زکات پرداخت و اوست که در همه حال جز خدای عزّ و جلّ هدف و مقصود دیگری ندارد.

من از جبرئیل خواستم که مرا از رساندن و گفتن این پیام به شما مردم مُعاف کند؛ زیرا از کمی متّقین و زیادی منافقان و نیرنگ گناهکاران و فریب مسخره‌کنندگان اسلام آگاه بودم و همانان که خداوند در کتابش وصف کرده است و می‌فرماید: «به زبان‌هاشان چیزی می‌گویند که در دل‌هاشان نیست و این را برای خود، کاری ساده و بی‌اهمیت حساب می‌کنند؛ درحالی‌که نزد خدا خطایی بزرگ است.» آنان که نه یک بار، بلکه همواره مرا بسیار می‌آزردند تا جایی که مرا اذُن (حرف‌شنو و خوش‌باور) نامیدند و گمان کردند، به علت همراهی زیادی علی با من و عنایت من به او، این چنین هستم؛ تا اینکه خدای عزّوجلّ در این باره آیه‌ای نازل فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می‌کنند و می‌گویند: 'او اذُن (حرف‌شنوِ زودباور) است.' بگو: 'زودباوری او به نفع شماست!'»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أُومَى إِلَيْهِمْ  
بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أُدَلَّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ  
تَكَرَّمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا:  
﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ  
رِسَالَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup>

فَاعَلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا مُفْتَرَضًا  
طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَعَلَى  
الْبَادِي وَالْحَاضِرِ وَعَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ  
الْكَبِيرِ وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَعَلَى كُلِّ مُوَجِدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ  
قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ.

اگر می‌خواستیم گویندگانِ چنین گفتاری را نام ببرم، بیان کرده و به فردُفردشان اشاره می‌کردم و یک‌یک ایشان را معرفی می‌کردم؛ امّا به خدا سوگند، دربارهٔ آن‌ها بزرگواری می‌کنم؛ باین‌همه خدا از من راضی نمی‌شود؛ مگر آنچه بر من فرو فرستاده است را ابلاغ کنم. سپس تلاوت فرمود: «ای پیغمبر! ابلاغ کن آنچه از پروردگارت به تو نازل شده است که اگر عمل نکنی، رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای؛ [پروا مکن که] خدا تو را از شرّ مردم حفظ می‌کند.»

پس بدانید ای مردم! خداوند او را به سرپرستی و امامت شما منصوب کرده، [او] پیشوایی [است] که فرمانبرداری‌اش بر مهاجرین و انصار و تابعین<sup>۱</sup>، بر بیابانی و شهری، غیرعرب و عرب، آزاده و بنده، کوچک و بزرگ و سفید و سیاه واجب و حتمی است و بر هر مؤحدی، فرمانش جاری و گفتارش روا و بجا و امرش نافذ است.

۱. تابعین: افاضل مسلمین را در زمان حضرت رسول ﷺ مصاحب رسول می‌نامیدند؛ زیرا فضیلتی برتر از این عنوان نبود و بدین سبب آن‌ها را «صحابه» می‌گفتند. چون عسر دوم اسلام فرا رسید، آنان که صحبتِ صحابه حضرت رسول ﷺ را درک کرده بودند، تابعین خوانده می‌شدند؛ نقل از: نفحات الانس، جامی، به نقل از: لغت‌نامهٔ دهخدا.

مَلْعُونٌ مَّنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَّنْ تَبِعَهُ، مُؤْمِنٌ مَّنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَضَّرَ اللَّهُ لَهُ  
وَلَمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ أَخْرَمَ مَقَامَ أَقْوَمِهِ فِي هَذَا الْمُتَشَهَّدِ فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا،  
وَانْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ  
دُونِهِ رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ، الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ  
وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِي إِلَى يَوْمِ  
تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّاشْمُهُ وَرَسُولُهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ. عَرَفَنِي [اللَّهُ] الْحَلَالَ  
وَالْحَرَامَ، وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ إِلَيْهِ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَكُلُّ عِلْمٍ عَلِمْتُ  
فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ  
الْمُبِينُ.



هرکه با او مخالفت کند، ملعون است و آن‌که پیروی‌اش کند، مورد رحمت الهی است. آن‌که تصدیقش کند، مؤمن است و سخن‌نویش و طاعت‌پذیر او مشمولِ آموزش خداوندی است.

ای گروه مردم! این آخرین نوبت است که در حضور انبوه شما به سخن برخاسته‌ام. به گفتارم گوش فرا داده و [آن را] بپذیرید و فرمان پروردگارتان را گردن نهید؛ چراکه خدای عزوجل همو اختیاردار و معبود شماست، بعد از او پیامبرتان محمد ﷺ ولی و سرپرست شماست، همو که اینک با شما به سخن ایستاده است، آنگاه بعد از من به فرمان خدا، علی سرپرست و امام شماست؛ سپس امامت و رهبری تا ملاقات خدا و رسولش در رستاخیز، برای ذریه من از فرزندان اوست.

جز آنچه خداوند حلال و حرام فرموده است، چیزی حلال و حرام نیست. خدا حلال و حرام را به من شناساند و من آنچه پروردگارم از حقایق قرآن و حلال و حرام به من آموخت، به علی واگذار کردم.

ای مردم! هیچ علمی نیست؛ مگر اینکه خداوند در من فراهم آورده است و من همه دانش‌هایم را در پیشوای متقین گرد آورده و قرار دادم و دانشی نیست که به علی نیاموخته باشم و او امامی است که آن‌ها را برای شما بیان می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. اشاره به یس، ۱۲: [و کَلِّ أَحْصِیْنَاهُ فِی إِمَامٍ مِّبِینٍ]

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَكْبِرُوا [وَلَا تَسْتَنْكِفُوا] مِنْ وَلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيُنْهَى عَنْهُ وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَهُوَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَهُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَصَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَايَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ.

ای مردم! از علی منحرف نشوید و از او کناره نگیرید و از ولایت و زعامت او سر باز نزنید؛ همانا او کسی است که به سوی حق راهبری کرده و به آن عمل می‌کند، باطل را در هم کوبیده و از آن نهی می‌کند و هیچ‌گاه سرزنش ملامت‌گری او را از راه خدا باز نمی‌دارد.

علاوه بر این، علی اَوَّلین کسی است که به خداوند و رسولش ایمان آورد و خود را فدایی رسول خُدا کرد. او کسی است که با رسول خدا بود و هیچ مردی جز او با رسول خدا، خدا را عبادت نمی‌کرد.

ای مردم! او را برتر بدارید که خداوند او را برتری و فضیلت داده است. او را بپذیرید که خداوند او را نصب کرده است.

ای مردم! علی امام از طرف خداست. خداوند هرگز توبه منکر ولایت او را نپذیرد و هرگز او را نیامرزد. برخداوند حتم است که با مخالف فرمانش در این باره بدین‌گونه عمل کرده و او را همواره و جاودان به عذاب سخت معذَّب کند.

فَاخَذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَضَلُّوا نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ  
لِلْكَافِرِينَ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ بِي وَاللَّهِ بَشَرِ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَنَا خَاتَمُ  
الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ  
الْأَرْضِينَ .

فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَّ فِي  
شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مِنْهُ، وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهِدِهِ الْفَضِيلَةَ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ،  
وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنْى أَبَدِ الْأَبَدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ .

بترسید از مخالفت [پروردگار] که به آتشی دچار خواهید شد که مایه سوختش مردم و سنگ آتش افروز است که برای کفرپیشگان مهیا شده است.

ای مردم! به خدا سوگند، همه پیامبران و رسولان پیشین، به آمدن من بشارت داده‌اند و من خاتم انبیا و آخرین رسولانم و حجت بر همه آفریدگان از آسمانیان و اهل زمین هستم.

آن که در این باره شک کند، کافر است؛ [این کفر] مانند کفر زمان جاهلیت نخستین [است] و آن که در چیزی از این سخن تردید کند، چنان است که در تمام سخنم تردید کرده است و آن که در چنین مطلبی شک کند؛ سزاوار آتش است.

ای مردم! این فضیلتی است از طرف خدا بر من و منّتی است که پروردگار بر من نهاده و احسانی است که او بر من کرده است و معبودی جز او نیست؛ ستایش و سپاس جاودانی من برای همیشه روزگار و در هر حال، ویژه اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْتَى،  
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ . مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ  
عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا، وَلَمْ يُؤَافِقْهُ .

أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِدَلِكِ وَيَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ  
يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي ﴿فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ﴾ ﴿۱﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ، قَالَ تَعَالَى: ﴿أَنْ  
تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ﴾ ﴿۲﴾ مَعَاشِرَ النَّاسِ،  
تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

۱ . حشر، ۱۸ .

۲ . زمر، ۵۶ .

ای مردم! علی را مقدّم دارید و از خود برتر بدانید. همانا او بعد از من، شایسته‌ترین انسان از میان مردان و زنان است تا وقتی که خداوند رزق و روزی فرو می‌فرستد و هستی برجاست (یعنی تا پایان دنیا). ملعون است، ملعون است و مغضوب است، مغضوب است؛ کسی که این سخنانم را رد کرده و با آن موافقت نکند.

بدانید! جبرئیل از طرف پروردگارم مرا به این امر آگاه کرد و چنین می‌گوید: «هر که با علی دشمنی ورزد و ولایتش را نپذیرد، لعنت و خشم من (خداوند) بر او باد.»

«هر کس باید بیندیشد که برای فردای خود چه پیش فرستاده است» و پرهیزید از مخالفت امر خدا. چه بسا قدم‌ها که پس از استواری بلغزد و به خطا رود؛ همانا خداوند به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

ای مردم! علی، همان «جَنبُ اللَّهِ» است که [خداوند] در کتابش ذکر فرموده است. خدای تعالی گفت: «[در آن روز] هر کسی می‌گوید: 'ای اندوها و دریغا بر آنچه در جَنبِ خدا از دست دادم.'»

ای مردم! در قرآن ژرف اندیشی کنید و آیاتش را بفهمید؛ در محکاماتش نیک بنگرید و از متشابهاتش پیروی نکنید.

فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ  
 بِيَدِهِ وَمُضِعُّهُ إِلَيَّ وَ سَأْتِلُ بِعَضُدِهِ وَمُعَلِّمُكُمْ:  
 أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخِي  
 وَوَصِيِّي، وَمَوَالَاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ  
 الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُنَّ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى  
 يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ.  
 أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ. أَلَا وَ  
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ



سوگند به خدا، هرگز کسی برایتان نواهی و مُحَرّمات قرآن را روشن نکند و تفسیر آیاتش را برای شما آشکار نکند؛ مگر این کسی که من دستش را گرفته و به طرف خود بالا آورده و اینک بازویش را بلند کرده‌ام و اعلام می‌کنم:

هرکه من مولا و صاحب‌اختیار او هستم؛ این علی مولا و اختیاردارِ اوست. او، علی پسر ابی‌طالب، برادر و وصی من است و [کسی است که] توصیه‌ی دوستی و یاری‌اش، از طرف خدای عزّوجلّ بر من نازل کرده است. ای مردم! علی و پاکان از فرزندان من، همانان ثقل<sup>۱</sup> کوچک تر هستند و قرآن، ثقل بزرگ‌تر و هریک از این دو، خبر از قرین و همتایش می‌دهد و موافق آن است؛<sup>۲</sup> این دو، هرگز جدا نشوند تا در کنار حوض (در بهشت) بر من وارد شوند. اینان امینِ خداوند در بین مردم و حکیمان الهی در زمین‌اند.

آگاه شوید که [امر الهی را] ابلاغ کردم، بدانید که ادای وظیفه کردم. هان که پیام را به سمعتان رساندم متوجّه باشید که امر الهی را واضح کردم. بدانید که خدای عزّوجلّ فرمود و من از طرف او می‌گویم:

۱. ثَقُل: هر شیء نفیس و محفوظ. و به همین معناست «أنتی تارک فیکم الثَّقَلین، القرآن و عترتی».

(اقرب الموارد: ثقل). توضیح بیشتر را در کتابچه حدیث الثَّقَلین ص ۴۱ توان دید.

۲. یعنی قرآن، عترت را توصیف می‌کند و عترت، قرآن را تفسیر می‌کند.

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَحَى هَذَا وَلَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَى  
لِأَحَدٍ غَيْرِهِ .

ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضُدِهِ فَرَفَعَهُ وَكَانَ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ  
اللَّهِ ﷺ [عَلَى دَرَجَةٍ دُونَ مَقَامِهِ ، فَبَسَطَ يَدَهُ نَحْوَ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ،  
وَأَشَالَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ، ثُمَّ قَالَ :  
مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيُّ أَحَى وَوَصِيِّى وَوَأَعِى عِلْمِى وَ خَلِيفَتِى عَلَى  
أُمَّتِى وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالدَّاعِى إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ  
وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُؤَالَى عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِى عَنِ مَعْصِيَتِهِ .

خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْإِمَامُ الْهَادِى وَ قَاتِلُ النَّاصِكِينَ وَ  
الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارْقِيْنَ .

هان! که امیرالمؤمنین جز همین برادرم نیست و زمامداری و امارت بر مؤمنان بعد از من، برای آحدی جز او روا و جایز نیست.

از اولی که پیامبر ﷺ بر منبر خطابه بالا رفت، علی (علیه السلام) یک پله پایین‌تر از جایگاه آن حضرت ﷺ قرار داشت. [سخن رسول خدا ﷺ که به اینجا رسید،] با دست خود به بازوی او (علی (علیه السلام) زد. او (علی (علیه السلام)) هم دست خود را به طرف رسول خدا ﷺ دراز کرد؛ سپس پیامبر ﷺ با دست پُرتوان خویش بازوی علی (علیه السلام) را گرفته و بلند کرد، به حدی که قدم‌هایش برابر زانوی پیامبر ﷺ قرار گرفت؛<sup>۱</sup> آنگاه فرمود:

ای مردم! این علی، برادر و وصی و خزانه دانش من و در رهبری امت و تفسیر کتاب خدای عزوجل، جانشین من است.

این علی، مردم را به خدا می‌خواند و به آنچه مورد رضایت اوست، عمل می‌کند و با دشمنانش می‌ستیزد؛ یاری‌کننده بر طاعت خدا و بازدارنده از معصیت اوست.

جانشین رسول خدا و امیر مؤمنان و پیشوای راهنماست. همو، کُشنده عهدشکنان و جورپیشگان و از دین بیرون‌رفتگان است.

۱. این قسمت، جزو اصلی خطابه پیامبر اکرم ﷺ نیست؛ در اینجا، راوی خطبه کیفیت قرارگرفتن امام علی (علیه السلام) و بلندکردنش را بردست رسول اکرم ﷺ شرح داده است.

بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ ﴿مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ﴾ ١ بِأَمْرِ رَبِّي أَقُولُ:  
 اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ الْعَنِ مَنْ أَنْكَرَهُ وَ اغْضَبِ عَلَيَّ  
 مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَيَّابِي ذَلِكَ  
 وَ نَضَبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِكَ وَ  
 رَضِيَتْ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، فَقُلْتُ:

﴿وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنْ  
 الْخَاسِرِينَ﴾ ٢

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيدًا أَنِّي قَدْ بَلَّغْتُ.

١. ق. ٢٩.

٢. آل عمران، ٨٥.

به فرمان خدا می‌گوییم، و سخن من تغییرناپذیر است؛ زیرا به فرمان پروردگارم می‌گوییم:

خداوندا! هرکه علی را دوست بدارد، او را دوست بدار و هرکه با او عداوت ورزد، دشمن دار. لعن فرما؛ هرکه علی را انکار کند و غضب فرما بر کسی که حق مسلّم علی را نادیده بگیرد.

پروردگارا! بر من نازل فرمودی که امامت و پیشوایی بعد از من، مختصّ ولیّ تو علی است. در آن هنگام که این حکم را بیان و علی را [از طرف تو] به این مقام منصوب کردم؛ مقامی که به آن، دین بندگان را کمال بخشیدی و نعمت را بر آنان تمام نمودی و خشنود شدی که اسلام دینشان باشد، پس فرمودی: «هرکه غیر از اسلام دینی را برگزیند، از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است.»

خداوندا! تو را گواه می‌گیرم و شهادت تو برای ما کافی است که [امر تو را ابلاغ کرده و] به بندگان رسانیدم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ  
وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعُرْضِ عَلَى اللَّهِ  
عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ،  
﴿لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>۱</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيٌّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ  
أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ وَمَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ،  
وَمَا خَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا  
فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾<sup>۲</sup> إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا  
فِي سِوَاهُ، وَلَا مَدْحَ بِهَا غَيْرُهُ.

۱. بقره، ۱۶۲.

۲. اشاره به سوره مبارکه انسان (دهر) که هفتاد و ششمین سوره قرآن مجید است.

ای مردم! خدا که عزتمند و بزرگ است، با امامتِ او دین شما را کمال بخشید؛ آن که سرِ اطاعت در پیشگاهِ امامتِ او فرود نیاورد، و امامت فرزندانش از نسل او (نسل علی عَلَيْهِ السَّلَامُ) را تا روز قیامت و رسیدن به پیشگاه خدا نپذیرد، عَمَلش تباه شده و در آتش جاودان بماند؛ «[چنین افرادی] عذابشان کاستی نگیرد و مهلتی نخواهند داشت.»<sup>۱</sup>

ای مردم! این علی بیش از همه شما مرا نصرت و یاری داده است و سزاوارترین و نزدیک‌ترین شما به من است. علی از همگی شما در نزد من ارجمندتر است. من و خدای عزوجل از او راضی هستیم. آیه‌ای متضمن خشنودی پروردگار نازل نشد؛ مگر اینکه علی در آن است و هر کجای قرآن که مؤمنان طرفِ خطابِ خدا قرار گرفته‌اند، نخستین مخاطبِ اوست.

آیه مدحی در قرآن فرو نیامد؛ مگر اینکه علی در آن است. گواهی‌ای که خدا در سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» درباره‌ی رفتن به بهشت داده است، ویژه‌ی اوست و آن سوره را در شأن غیر او نازل نفرموده است و در آن، کسی جز او موردستایش قرار نگرفته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرِدِينَ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ  
 النَّقِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بَنُوهُ خَيْرُ  
 الْأَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ .  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوهُ  
 فَتَخْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَنْزَلَ أَقْدَامُكُمْ فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لِخَطِيئَةٍ  
 وَاحِدَةٍ وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ  
 أَعْدَاءُ اللَّهِ، إِلَّا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا وَ لَا يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَ لَا  
 يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ .



ای مردم! علی، یاور دین خدا و مدافع حریم رسول خداست. او باتقوای پاک‌نهاد و راهنمایی راه‌یافته است. پیامبرتان بهترین انبیا و وصی شما، بهترین اوصیاست و پسرانش بهترین جانشینان هستند.

ای مردم! فرزندان هر پیامبری از پشت خود اوست و ذریه من از نسل علی است.

ای مردم! ابلیس آدم را به حسد از بهشت بیرون کرد؛ به او (امام علی علیه السلام) حسد نوزید که اعمالتان تباه می‌شود و قدمهایتان بلغزد. همانا آدم با آنکه برگزیده خدا بود، با یک خطا به زمین فرو افتاد؛ پس وضع شما چگونه خواهد بود و حال آنکه شما [انسان‌ها] افرادی عادی هستید که بعضی‌تان دشمن خدایید.

بدانید که با علی دشمنی نوزد؛ مگر بخت برگشته و به علی مهر نوزد؛ مگر پارسای خویشتن دارو به او ایمان نیاورد؛ مگر مؤمن با خلاص.

وَ فِي عَلِيٍّ وَ اللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ الْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ  
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾<sup>۱</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي ﴿وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ  
 إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾<sup>۱</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ ﴿اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾<sup>۲</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ<sup>۳</sup> ﴿مَنْ قَبِلَ أَنْ  
 نَظْمَسَ وَجُوهًا فَتَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا﴾<sup>۴</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ، النُّورِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيَّ مَسْلُوكٌ ثُمَّ فِي عَلِيٍّ - ثُمَّ فِي  
 النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهَدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَلْنَا لِأَنَّ  
 اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُخَالِفِينَ وَ  
 الْخَائِنِينَ وَ الْأَثِمِينَ وَ الظَّالِمِينَ وَ الْعَاصِبِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ .

۱. نور، ۵۴.

۲. آل عمران، ۱۰۲.

۳. اقتباس از جزء آخر آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف.

۴. نساء، ۴۷؛ شاید کنایه از تغییر خصایص مردمی در منکران حق و کافرپیشگان باشد.

سورهٔ عصر در شأن علی نزول یافته است: «به نام خدای بخشایشگر مهربان. سوگند به عصر [نورانی رسول یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام] که انسان همه در زیان و کاستی است؛ مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یک‌دیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه کرده‌اند.»

ای مردم! خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ کردم «و بر رسول جز رسانیدن آشکار پیام نیست.»

ای مردم! از خدای بزرگ پروا کنید؛ آن‌گونه که شایستهٔ پرهیز از خداست «و مراقب باشید که جز در حال مسلمانی، جان نسپارید!»  
ای مردم! به خدا و رسولش و نوری (قرآنی) که با او فرود آمد، ایمان آورید، «پیش از آنکه صورت‌هایی را [به واسطهٔ گمراهی و بتاهی] محو کنیم؛ سپس به پشت سر برگردانیم.»<sup>۲</sup>

ای مردم! «آن نور، از سوی خدا در من نهاده شده است و بعد از من، در علی علیه السلام است؛ سپس در نسل او تا قائم مهدی عجله الله تعالی فرجه الیک؛ [او] آن [است] که (با قیام فراگیرش) حق خدا و تمام حقوق ما را باز می‌ستاند. همانا خدای عزوجل، بر جمیع کوتاهی‌کنندگان (در حق ما) و دشمنان و مخالفان و خیانت‌پیشگان و گناهکاران و ستمگران و غاصبان از جهانیان، ما را حجت قرار داده است.

۱. اقتباس است از جزء آخر آیهٔ ۱۵۷ سوره اعراف.

۲. این آیه دربارهٔ جزای یهود لجباز و منکر حق است. بنا بر حدیثی از امام باقر علیه السلام منظورش محو کردن صورت‌های آن‌ها از راه هدایت و برگرداندن به عقب و قرار گرفتن در مسیر گمراهی است. نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۴۷؛ به نقل از قرآن حکیم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرُكُمْ أْتَى رَسُولُ اللَّهِ قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ  
 مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ ﴿۱﴾ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَّ  
 اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۲﴾  
 أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُؤْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ  
 صَلْبِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ، وَ  
 يُصِيبِكُمْ بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِبَالِزَّصَادٍ .  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ  
 لَا يُنصَرُونَ .

۱. برگرفته از آل عمران، ۱۴۴، با اندکی تفاوت.

ای مردم! شما را بیم و آگاهی می‌دهم که من فرستاده‌ی خدایم که پیش از من فرستادگان الهی بودند. اگر من بمیرم یا کشته شوم، شما به عقب برمی‌گردید؟! آن که به روزگار کفر و جاهلیت برگردد، به خدا هیچ زبانی نرساند و به زودی خداوند شاگردان را پاداش می‌دهد!<sup>۱</sup>

بدانید که علی همان کسی است که به صبر و شکر وصف شده است و بعد از او فرزندانم که از پشت او آیند، چنین هستند.

ای مردم! به واسطه‌ی قبول اسلام بر خدا مَنّت ننهید که بر شما خشم گیرد و به عذابش دچار شوید؛ که همانا او مراقب رفتارتان هست.

ای مردم! به زودی پس از من پیشوایانی پیدا شوند که شما را فرا خوانند و روز رستاخیز یاری نشوند.

۱. برگرفته از آل عمران، ۱۴۴، با اندکی تفاوت.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ .  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ  
 مِنَ النَّارِ [وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ] <sup>۱</sup>  
 إِلَّا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ ﴿۱﴾ قَالَ فَذَهَبَ  
 عَلَى النَّاسِ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرَ الصَّحِيفَةِ ﴿۲﴾ <sup>۲</sup>  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً فِي عَقِبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ  
 بَلَغْتُ مَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ  
 مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ  
 إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَجِّعُلُونَهَا مُلْكًا وَاعْتَصَابًا .  
 إِلَّا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَالْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا [سَنْفَرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ التَّقْلَانِ] <sup>۳</sup>

۱. نحل، ۲۹.

۲

۳

ای مردم! یقیناً خداوند و من از آنان نفرت داشته و بیزاریم.  
 ای مردم! این پیشوایان و یاران و پیروان و تابعانشان در پست‌ترین  
 طبقات دوزخ‌اند «و چه بد جایگاهی که متکبران راست.»  
 بهوش باشید! اینان اصحاب صحیفه‌اند؛<sup>۱</sup> باید فرد فرد شما در کارنامه  
 عمل خود بنگرد.

[راوی گفت: موضوع صحیفه را مردم در نیافتند؛ مگر عده اندکی که  
 به یاد داشتند]

ای مردم! من خلافت را به صورت امامت و ارث بردن در فرزندانم، تا روز  
 قیامت، به جامی گذارم؛ همانا که آنچه مأمور به تبلیغ آن بودم، رسانیدم  
 تا بر هر حاضر و غایب و هر که شاهد و حاضر است یا نیست و زاده شده  
 یا هنوز به دنیا نیامده است، حجّت و دلیل تمام باشد. پس بایسته و  
 لازم است هر که حاضر است، پیام را به غایبان برساند؛ همچنین تا روز  
 رستاخیز، هر پدیری باید [این پیام را] به فرزندش ابلاغ کند. به زودی این  
 مقام خلافت را غصب کرده و به پادشاهی تبدیل خواهند کرد.

هان! لعنت خدا بر غضب‌کنندگان و تعدّی‌کنندگان باد. در این  
 هنگام «ای گروه انس و جن! به زودی به حساب کار شما خواهیم  
 پرداخت»

۱. اصحاب صحیفه: گروهی از ملاً و اعیان صحابه‌اند که قراردادی تنظیم کردند و هم‌پیمان  
 شدند که اعلام کنند پیامبر ﷺ بعد از خود جانشین تعیین نکرده است و حضرت  
 علی علیه السلام، خلیفه بعد از ایشان نیست. سعید بن العاص الأموی این صحیفه را نوشت و به  
 امانت نزد ابوعبیده سپردند. (تلخیص از سفینه بحار الأنوار: صحف). اینان ظاهراً همان  
 ۱۲ تنی هستند از منافقان که در بازگشت از غزوه تبوک، قصد جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را  
 کردند؛ ولی پیک الهی پیامبر را از نیت سوء آن‌ها باخبر و توطئه‌شان را خنثی کرد. نک:  
 بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۹۶.

و ﴿يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾<sup>۱</sup>.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ يَدْرُكُكُمْ «عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ  
 حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُظَلِّعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ»<sup>۲</sup>.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيبَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَ كَذَلِكَ  
 يُهْلِكُ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى<sup>۳</sup> وَ هَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَ  
 وَلِيُّكُمْ وَ هُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَ اللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ  
 هُوَ مُهْلِكُ الْأَخِيرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ هَلَكَ الْأَوَّلِينَ. ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ  
 كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَيُلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾<sup>۴</sup>

۱. الرحمن، ۳۵.

۲. اقتباس از آل عمران، ۱۷۹.

۳. اشاره به آیاتی مانند: انعام، ۱۳۱ و هود، ۱۱۷.

۴. مرسلات، ۱۹ تا ۱۶.



«و شعله‌هایی از آتش بی دود و دودهای متراکم بر شما فرستاده می‌شود و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید.»

ای مردم! «خدای عزّو جل شما را به حال خود رها نمی‌کند؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد و چنین نیست که خداوند شما را از غیب با خبر کند.»<sup>۱</sup>

ای مردم! خدا اهلِ هیچ قریه‌ای را هلاک نکرد؛ مگر به سبب اینکه آیات الهی را تکذیب و انکار کردند و این سَنّتِ جاریِ خداوندی است که هر جمعیتِ ظالمی را نابود می‌کند. همچنان که خداوند در کتابش فرموده است.<sup>۲</sup>

این علی، امام و صاحب‌اختیار شماست و او وعده‌های الهی است و خداوند آنچه را وعده کرده است، راست می‌گرداند.

ای مردم! قبل از شما بیشتر پیشینیان گمراه شدند و خداوند گذشتگان را تباه ساخت و همان خدا هلاک‌کنندهٔ آیندگان [گمراه] است.

خدای تعالی فرمود: «آیا ما اقوام [مجرم] نخستین را هلاک نکردیم؟ سپس دیگران (دیگر مجرمان) را به دنبال آن‌ها می‌فرستیم. [آری] این گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم. وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان!»

۱. اقتباس از آل‌عمران، ۱۷۹.

۲. اشاره به آیاتی مانند: انعام، ۱۳۱ و هود، ۱۱۷.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ  
الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا  
وَانْتَهَوْا لِتَنْهِيهِ تَرْشُدُوا، وَصَيِّرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ، وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السُّبُلُ عَن  
سَبِيلِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ  
مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةٌ يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ .  
﴿ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ الْحَمْدِ﴾، وَقَالَ فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ، وَ  
إِيَّاهُمْ خُصَّتْ، أَوْلِيَاكَ ﴿أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ١ أَلَا  
﴿إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ ٢

١ . يونس، ٦٢ .

٢ . مائده، ٥٦ .

ای مردم! خداوند به من [واجبات را] امر و [از محرمات] نهی فرمود و من نیز [آن‌ها را] به علی امر و نهی کردم؛ بدین ترتیب، علی به امر و نهی پروردگارش دانا شد. اینک فرمانش را بشنوید تا در امان باشید و اطاعتش کنید تا هدایت یابید. نهی او را بپذیرید تا راه راست را باز یابید. به سمت مراد و مقصود او جهت گیرید؛ دیگر راه‌ها شما را از راهش منحرف نسازد. ای مردم! من آن صراط مستقیم خدایم که امر کرده است از آن پیروی کنید. بعد از من، علی چنین است؛ سپس فرزندانم از نسل او؛ همان پیشوایانی که به سوی حق هدایت می‌کنند و بحق داوری می‌کنند. آنگاه [حضرت علیه السلام] سوره حمد را قرائت کرد و گفت:

این سوره در شأن من و این امامان نازل شده است و آنان را در بر می‌گیرد و ویژه ایشان است.

اینان «اولیای خدایند که هیچ بیمی بر آنان نیست و نه اندوهگین شوند.» هان! که «حزب خدا همان رستگاران و چیره‌شوندگان هستند.»

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالْحَادُونَ وَهُمْ الْعَادُونَ وَ  
 إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ ﴿يُوجِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾<sup>۱</sup>  
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ هُمْ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ  
 وَجَلَّ: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ  
 رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ  
 الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
 خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ  
 اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۲</sup>

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ:

۱. انعام، ۱۱۲.

۲. مجادله، ۲۲.

بدانید که دشمنانِ علی، همان تفرقه‌افکنان و منافقان و ستیزه‌جویان هستند و همانان دشمنان حق و برادران شیطان‌اند که «بعضی از آنان، سخنان ظاهرآراسته فریبارا به بعضی دیگر القای می‌کنند.»

بدانید که دوستان علی و فرزندان او، آن دسته مؤمنانی هستند که خداوند در قرآن آنان را یاد کرده و درباره‌شان فرموده است: «هرگز مردمی که ایمان به خداوند و روز رستاخیز آورده‌اند، چنین نخواهی یافت که با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند؛ هرچند آن دشمنان، پدران یا فرزندان و برادران و خویشان آن‌ها باشند. آنان کسانی هستند که خدا بر دل‌هاشان نور ایمان نگاشته و با روحی از خودش، آن‌ها را تأیید کرده و [در قیامت] به بهشتی داخل کند که نهرهای [مصفا] زیر درختانش جاری است و جاودان در آن مُتَنَعِم‌اند. خدا از آن‌ها خشنود و آنان نیز از خدا خشنودند. آن‌ها [به حقیقت] حزب خدایند؛ بدانید که حزب خدا رستگاران هستند.»

متوجه باشید که دوستان آنان کسانی هستند که خداوند در قرآن این‌گونه توصیفشان کرده است:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup>  
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ  
 أَنْ طَبَّئْتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ.<sup>۲</sup>  
 أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ  
 حِسَابٍ.<sup>۳</sup> أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمْ يَصِلُونَ سَعِيرًا.  
 أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَبَّتِهِمْ شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَلَهَا زَفِيرٌ أَلَا  
 إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتٌ لِأَخْتِهَا﴾<sup>۴</sup>  
 أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلَّمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ  
 خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ  
 مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي  
 أَصْحَابِ السَّعِيرِ فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ».<sup>۵</sup>

۱. انعام، ۸۲.

۲. تضمین بخشی از آیه ۷۳ سوره مبارکه زمر.

۳. اقتباس از آیه ۴۰ سوره مبارکه غافر.

۴. اقتباس از آیه ۷ سوره مبارکه ملک.

۵. اعراف، ۳۸.

۶. ملک، ۱۱ تا ۸.

«آنان که به خدا ایمان آورده و ایمان خود را به شرک و ستم نیالودند، ایمنی آن‌ها راست و آن‌ها هدایت‌یافتگان هستند.» بدانید دوستانشان کسانی هستند که با امن و آرامش در بهشت وارد می‌شوند «و ملائکه در پیش‌بازشان سلام کرده و می‌گویند: 'خوشا به شما، برای همیشه در بهشت جای می‌گزینید.»<sup>۱</sup>

بدانید همانا دوستانِ آنان کسانی هستند که خداوند عزوجل در وصفشان می‌فرماید: «بدون حساب به بهشت داخل می‌شوند.»<sup>۲</sup> بدانید که به‌راستی دشمنانشان در آتش افروخته دوزخ وارد می‌شوند. بدانید دشمنان ایشان آن‌ها هستند که از جهنم صدایی هولناک و زشت شنوند؛ درحالی‌که آتش قوران می‌کند و ناله‌ای زار دارد.<sup>۳</sup> بدانید دشمنان آنان کسانی هستند که خدا درباره‌شان فرموده است: «هنگام ورود به جهنم، هر گروهی همتای خود را لعنت و نفرین می‌کند.» بدانید دشمنان این خانواده آن‌ها هستند که خداوند فرموده است: «هر گروهی را که به آتش در افکنند، عذاب‌سازان و نگهبانان دوزخ از ایشان پرسند: 'آیا برای شما ترساننده و آگاه‌کننده نیامد؟' گویند: 'آری، بیم‌دهنده‌ای آمد؛ اما او را دروغ‌گو پنداشتیم و گفتیم: خدا چیزی نفرستاده، جز این نیست که شما سخت در گمراهی هستید.»<sup>۴</sup> [اهل دوزخ با تأسف] گویند: 'اگر ما سخن پیامبران را شنیده یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم!' آنگاه به گناهشان اعتراف کنند [که سودی ندارد و خطاب قهررسد] که اهل آتش را [از رحمت حق] دوری باد.»

۱. تضمین بخشی از آیه ۷۳ سوره مبارکه زمر.

۲. اقتباس از آیه ۴۰ سوره مبارکه غافر.

۳. مُلک، ۷.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ ﴿الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾<sup>۱</sup>  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَّانَ مَا بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالسَّعِيرِ فَعَدُّونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَ  
 وَلِيَّنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلِيٌّ هَادٍ<sup>۲</sup>.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلِيٌّ وَصِيٌّ، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيِّمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ  
 الْمُهْدِيُّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُتَّقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ  
 الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشَّرِكِ، أَلَا إِنَّهُ مُدْرِكُ  
 بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِلدِّينِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ الْعُرَافُ فِي  
 بَحْرِ

عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ لَيَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.



بهوش باشید! دوستان این خانواده، «آن‌ها هستند که از پروردگارشان در پنهان می‌ترسند [و در باطن، خداترس‌اند؛ نه با نفاق و در ظاهر]. برای آن‌ها آموزش و پاداشی بزرگ [و بهشت ابد] خواهد بود.»

ای مردم! چه بسیار فرق است بین بهشت و دوزخ [سوزانِ عذاب‌دهنده]. دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش و لعنت کرده است و دوست ما کسی است که پروردگار، او را ستوده است و دوست می‌دارد.

ای مردم! بدانید من بیم‌دهنده‌ام و علی، هادی و رهنماست.<sup>۱</sup>

ای مردم! من، پیامبر و علی، وصی و جانشین من است. بدانید که آخرین امام از ماست که همو قیام‌کننده و مهدی (هدایت‌شده) است. هان! او بر همهٔ ادیان پیروز و انتقام‌گیرنده از ستمگران است.

آگاه باشید او فاتح دژها و درهم‌کوبندهٔ آن‌هاست. آگاه باشید اوست که همهٔ گروه‌های اهل‌شرک را می‌کشد و آگاه باشید هموست که برای همهٔ اولیای خدا خونخواهی می‌کند.

آگاه باشید که اوست نصرت‌بخش دین خدا. آگاه باشید اوست که از دریای ژرف [علوم نبوی]، فراوان می‌نوشد. هان! اوست که نشان فضل هر فاضلی و جهل هر جاهلی را بر روی می‌نهد.<sup>۲</sup>

۱. در قرآن کریم (رعد، ۷) آمده است: (إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ).

۲. میزان دانش هر فرد را معین کرده و او را در مقامی قرار می‌دهد که شایسته آن است.

أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِهِ . أَلَا إِنَّهُ  
 الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمُتَّبِعُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ ، أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ .  
 أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بُشِّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي  
 حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ . أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ  
 وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ إِلَّا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ حُكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ  
 فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ وَ هَذَا عَلَيُّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي  
 أَلَا وَ إِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَذْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِفْرَارِ  
 بِهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي . أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيٌّ قَدْ بَايَعَنِي ، وَ أَنَا  
 أَخَذْتُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : ﴿ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى  
 نَفْسِهِ ﴾<sup>۱</sup> .

آگاه باشید او بهترین آفریده‌ی خدا و برگزیده‌ی اوست. بدانید او همه‌ی علوم را به ارث برده و بر آن‌ها احاطه دارد.

هان که او خبردهنده‌ی از پروردگارش و آگاهی‌بخش به ایمانش است! هان! اوست راه‌یافته‌ای استوار که [از سوی خدا، امرِ خلاق] به او واگذار شده است.

بدانید او کسی است که پیشینیان، همه به آمدنش بشارت داده‌اند. بدانید او جاودانه حجتی است که بعد از او حجتی نیست؛ چنان که حقی نیست؛ جز با او و نوری نیست؛ جز نزد او.

آگاه باشید که هیچ‌کس بر او غالب نشود و کسی که بر ضدّ اوست، یاری نشود. آگاه باشید که او ولیّ خدا در زمین و فرمان خدا در خلق و امین او در امور پنهانی و آشکار است.

ای مردم! من گفتنی‌ها را برایتان روشن گفته و به شما فهماندم و این علی، عهده‌دار فهماندن آن‌ها بعد از من است.

هان! شما را دعوت می‌کنم که بعد از تمام شدن خطبه‌ام، بر پیمان با علی و اقرار به [ولایت و امامت] او، با من دست دهید؛ سپس بر همین پیمان دست او را بفشارید.

هان! به تحقیق که من با خدا بیعت کردم و علی با من بیعت کرده است و من از طرفِ خدای عزّوجلّ برای علی از شما بیعت می‌گیرم و هر که پیمان‌شکنی کند؛ همانا ضررش متوجّه خود اوست.»

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ ﴿فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ  
 اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، حِجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَلَا تَحَلَّفُوا  
 عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ  
 إِلَى وَفْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَوْنَفَ عَمَلُهُ.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجُ مَعَاوُنُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ  
 الْمُحْسِنِينَ.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ حِجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ  
 الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعِ.  
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ \* كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ  
 جَلَّ، لَنْ ظَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمْدُ فَصَرِّثُمْ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلِيٌّ وَلِيْلِكُمْ وَ مُبَيِّنٌ  
 لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْدِي.

ای مردم! حج و عمره از شعائر و نشانه‌های دین خداست؛ «پس هر که حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره را به جا آورد، باکی بر او نیست که بر آن دو (صفا و مروه) طواف کند.»

ای مردم! آهنگ خانه خدا کنید که اهل هیچ خانواده‌ای در آن وارد نشد؛ مگر آنکه بی‌نیاز شد و خانواده‌ای از آن روی بر نتافت؛ مگر اینکه فقیر شد.

ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف نمی‌ایستد؛ مگر اینکه خداوند جمیع گناهان او را تا آن زمان می‌آمرزد و پس از اختتام و پایان حج، پرونده اعمال نو و تازه‌ای برای او گشوده می‌شود.

ای مردم! حج‌گزاران، از طرف خداوند یاری می‌شوند و هزینه‌هایشان در این راه جبران می‌شود و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. ای مردم! حج را با دین کامل و تَفَقُّه و بصیرت به جا آورید و از مشاهده و مراسم، بدون توبه و کنده شدن از معاصی مراجعت نکنید.

ای مردم! نماز بر پای دارید و زکات و حَقِّ مسَلِّم مالی خود را بپردازید؛ همان‌گونه که خدا به شما فرمان داده است و اگر بر اثر گذشت زمان [از انجام دادن تکالیف شرعی] کوتاهی کردید یا [حکمش را] فراموش کردید؛ پس علی، ولیِّ شما و روشن‌کننده [احکام] برای شماست. [این علی] همان [است] که خداوند او را بعد از من نصب فرموده است.

وَ مَنْ خَلَفَهُ اللَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ .

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهُمَا وَأُعْرِفَهُمَا فَأَمْرٌ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِمَقْبُولٍ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَنْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ أَنْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمُهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، كُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ أَوْ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ .

أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ .

و [خداوند او را] جانشین من قرار داده است و من هم از اویم. علی پرسش‌های شما را پاسخ می‌گوید و آنچه نمی‌دانید برای شما بیان می‌کند.

بدانید حلال و حرام خدا بیش از آن است که بتوانم همه آن‌ها را شماره کرده و معرفی کنم و در یک مجلس، به همه حلال‌ها امر و از همه حرام‌ها نهی کنم؛ بنابراین مأموریت یافتم تا درباره قبول آنچه از طرف خدای عزوجل آورده‌ام، از شما پیمان بگیرم و دست تعهد دهیم و آن درباره علی امیر مؤمنان و امامان بعد از اوست؛ آنان که هم از من و هم از او هستند؛ اینان امامانی قیام‌کننده به حق هستند و مهدی از آنان است تا روز قیامت که به حق حکم می‌کند.

ای مردم! شما را به همه کارهای روا و حلال دلالت کردم و از همه کارهای حرام بازداشتتم. من هرگز از این امر و نهی‌ام بر نمی‌گردم و سخنانم را تغییر و تبدیل نمی‌دهم.

هان! که این مطلب را همواره به یاد آورید و به خاطر سپارید و یکدیگر را بر آن سفارش کنید؛ سخنم را عوض نکنید و دگرگون نسازید.

أَلَا وَإِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ، أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ  
وَإَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ  
تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ  
عَزَّ وَجَلَّ وَمِنِّي وَلَا أَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا نَهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.  
مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَيَّامَةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَعَرَفْتُمْ أَنَّهُ  
مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ:

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ﴾<sup>١</sup>، وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ

بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى، التَّقْوَى وَاحْتَدِرُ السَّاعَةَ، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ:

﴿إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾<sup>٢</sup>

١. زخرف، ٢٨.

٢. حج، ١.



توجه کنید! گفتارم را دیگر باره تکرار می‌کنم:

هان! نماز به پا دارید و زکات را [که حق بینوایان است]، ادا کنید. به نیکی امر کنید و از بدی باز دارید؛ اما بدانید اصل و اساس امر به معروف و نهی از منکر، این است که به گفتار امروز تا آخر کار پایرجا بمانید و به کسانی که حاضر نبودند [این پیام را] برسانید و دیگران را به قبول آن امر کنید و از مخالفت و سرپیچی از آن نهی کنید که همانا این امری است از طرف خدای عزوجل و از من. امر به معروف و نهی از منکر، جز با قبول امام معصوم تحقق نمی‌یابد.

ای مردم! قرآن پیشوایان بعد از علی را که فرزندان اویند، به شما معرفی می‌کند و من هم به شما شناساندم که آن‌ها از [نسل] من و علی هستند. آنجا در کتابش می‌گوید: «توحید را کلمه ماندگاری در فرزندانش قرار داد» و من هم [برای معرفی آن‌ها] گفتم: «اگر به قرآن و عترتم چنگ زنید، هرگز گمراه نشوید.»

ای مردم! تقوی، تقوی! (خویشتن‌دار باشید) از لحظه آمدن رستاخیز بترسید! آن‌چنان که خدای عزوجل فرموده است: «همانا زمین لرزه قیامت، حادثه بزرگ و سختی است.»

أُذَكِّرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمِحَاسِبَةَ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ،  
وَالْتَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أُثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ  
فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدَةٍ وَقَدْ  
أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِفْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيٍّ مِنْ  
إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ  
ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَّغَتْ عَنْ  
رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ وَأَمْرٍ وُلِدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيِّمَةِ نُبَايَعُكَ عَلَى ذَلِكَ  
بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَأَلْسِنَتِنَا وَأَيْدِينَا

مرگ و حساب و برپاشدن میزان‌ها و حسابرسی اعمال در پیشگاه پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را به یاد آورید. هر که کردار نیکو بیاورد، پاداش می‌بیند و آن‌که رفتارش ناپسند باشد، او را از سرای مینو بهره‌ای نیست.

ای مردم! شما بیشتر از آن هستید که بتوانید همه تک‌تک با من بیعت کنید. خدای عزوجل به من فرمان داد که از شما اقرارزبانی بگیرم دربارهٔ پیمانی که با شما بستم دربارهٔ امیرمؤمنان بودن علی علیه السلام و امامانی که بعد از او می‌آیند و از من و اویند و همان‌طور که به شما اعلام کردم: فرزندان من از نسل او خواهند بود.

پس همگی یک‌صدا شده و بگویید: «شنیدیم، فرمانبرداریم، خشنودیم و گردن نهادیم بر آنچه از پروردگارت دربارهٔ علی و امیری و فرمان‌روایی فرزندان از پشت او که امامان آینده‌اند، به ما ابلاغ کردی؛ با دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و دست‌هایمان، بر این مهمم، با تو بیعت می‌کنیم.

عَلَىٰ ذَٰلِكَ نَحْيَىٰ وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ وَ لَا نُغَيَّرُ وَ لَا نُبَدَّلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَرْتَابُ  
وَ لَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نُطِيعُ اللَّهَ وَ نُطِيعُكَ وَ عَلِيًّا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ ضَلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ  
الْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنْزِلَتَهُمَا  
مِنْ رَبِّي - عَزَّ وَ جَلَّ - ، فَقَدْ أَذَيْتُ ذَٰلِكَ إِلَيْكُمْ ، وَ أَنْتَهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ  
الْجَنَّةِ ، وَ أَنْتَهُمَا الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ .  
وَ قُولُوا أَطْعَمَنَا اللَّهُ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ  
الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَا خُوذًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ  
السِّنْتِنَا وَ مُصَافَقَةِ أَيْدِينَا ،

برای این [پیمان] زندگی می‌کنیم و می‌میریم و برانگیخته می‌شویم. هیچ تغییری و تبدیلی در این مهمّ نخواهیم داد، هیچ دودلی و تردیدی نخواهیم داشت، از عهدمان برنخواهیم گشت و پیمانمان را نخواهیم شکست. خدای را فرمانبرداریم و تو و علی علیه السلام را که امیر مؤمنان است و فرزندانش را که امام هستند نیز طاعت پذیریم. همان امامانی که گفتی فرزندان تو از پشت او بعد از حسن و حسین علیهما السلام هستند، آن، دو گران قدری که پایگاه و رتبه‌شان را نزد خودم و منزلتشان را در پیشگاه پروردگارم به شما شناساندم. همانا این مطالب را به شما رساندم، به درستی که آن دو، سرور و برتر جوانان بهشتی‌اند و هر دو آن‌ها بعد از پدرشان علی، امام هستند و پیش از علی، من پدر آن دو هستم.

باز بگویید: «در این امر اطاعت می‌کنیم خدا و تو را و علی و حسن و حسین علیهم السلام و ائمه‌ای را که تو یادآور شدی؛ تا عهد و پیمانی گرفته شده برای امیرمؤمنین از دل و جان و زبان ما باشد که با دست بیعت تأیید شده است.

مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَأَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ، وَلَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا تَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ جَوْلًا أَبَدًا.

أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ، وَكُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ أَوْ سَتَرَ وَمَلَائِكَةُ اللَّهِ وَجُنُودُهُ وَعَبِيدُهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ .

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، ﴿فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا﴾ ﴿وَمَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾<sup>۲</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةً يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ عَدَرَ وَيَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى ﴿فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ﴾ ﴿الآيَةُ ۲.

۱. زم، ۴۱.

۲. فتح، ۱۰.

۳. فتح، ۱۰.

هر که آن دو را درک کند، دست بیعت می‌دهد و به زبان اقرار می‌کند و به جای آن، چیزی دیگر بر نمی‌گزینیم و به خود نمی‌بینیم که هیچ‌گاه از پیمانمان برگردیم.

خدا را بر این پیمان گواه می‌گیریم و خدا برای گواه بودن کفایت می‌کند. و [ای پیامبر!] در این پیمان تو نیز بر ما گواه هستی. هر آن که اطاعت خدا کند، آشکار باشد یا پنهان و فرشتگان خدا و لشکریان و بندگان [همه را به گواهی می‌طلبیم] و خدای تعالی از هر گواه و ناظری برتر است.»

ای مردم! آن چه می‌گویید [باتوجه و مراقبت باشد که] همانا خدا می‌داند هر صدا را و [نیز] آنچه در دل پنهان دارید. «هر که هدایت شود، به سود خود اوست و هر که گمراه شود، یقیناً به زیان خودش تمام شود.» کسی که بیعت کند، در حقیقت با خدا بیعت کرده است و «دست خدا، زبیر دست هایشان است.»

ای مردم! از [خشیم] خدا پرهیزید و با علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان [بعد از ایشان] بیعت کنید که کلمه پاک پایدار الهی‌اند. خدا هر که را خیانت کرده و پیمان شکند، هلاک می‌کند و کسی را که به پیمانش وفا کند، مشمول رحمتش می‌کند؛ «پس هر که پیمان شکند، بدنامی و زیان آن به خودش می‌رسد.»

مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ، وَسَلِّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ  
قُولُوا ﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ وَقُولُوا ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ﴾<sup>٢</sup>

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ  
قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا  
وَعَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَعَلِيًّا وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ  
فَارَزَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَمُؤَالَاتِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ  
بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

١. بقره، ٢٨٥.

٢. اعراف، ٤٣.



ای مردم! هر آنچه به شما گفتم، بگویید و بر علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین سلام دهید و بگویید: «شنیدیم و فرمانبرداریم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم؛ بازگشت همه به سوی توست.» و بگویید: «ستایش و سپاس خدایی را سزااست که ما را به این (امامت و ولایت علی علیه السلام) هدایت فرمود و اگر راهنمایی خدا نبود، ما به خود هدایت نمی شدیم.»<sup>۱</sup>

ای مردم! به راستی فضایل و شایستگی‌های علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خدای عزوجل که در قرآن فرو فرستاده بیش از آن است که [در یک مجلس] برشمارم؛ پس کسی که آن فضایل را برای شما برشمرده و بشناساند، او را تصدیق کنید.

ای مردم! هر که خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و امامانی را اطاعت کند که یادآوری کردم؛ یقیناً به رستگاری بزرگی نائل شده است. ای مردم! سبقت‌گیرندگان در بیعت و دوستی و یاری علی علیه السلام و سلام کردن بر او به عنوان «امیر مؤمنان»، ایشان رستگاران پیروزمند هستند که در باغ‌های پر نعمت بهشتی جای دارند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا  
 أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً... فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً.  
 اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَاعْضِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ.  
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای مردم! آنچه خدا به گفتن آن از شما خشنود می‌شود، به زبان آورید.  
اگر شما و همه کسانی که در زمین هستید، کافر شوید؛ هرگز زبانی به  
خدا نمی‌رسد.

بارالها! مؤمنان را ببخش و بیمارز و بر کافران [که حقایق را پوشیده  
می‌دارند]، خشم گیر.

اینک که به آخر خطبه رسیدیم و می‌خواهیم از صحنه غدیر بیرون برویم، جای این پرسش هست که از استماع آن سخنرانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله ما را چه عاید شد؟ آیا موضوع معرفی فردی شایسته از خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله است فقط برای اینکه آن فرد را دوست داشته باشیم؟! یا نه؛ انتصاب مسلمانی است کامل و زیان و شایسته که پروردگار دانا او را ادامه دهنده راه رسولش دانسته است و بیان‌کننده اصول و فروع دین و اجراکننده احکام قرآن؟

پیام خطبه غدیر این است: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که دینش خاتم ادیان است، باید به امر خدای تعالی، یکی از تربیت‌یافتگانش را برای ادامه رسالتش تعیین کند و اگر این کار را نکند، چنان است که ۲۳ سال زحماتش را به دست حوادث نامعلوم تاریخ سپرده است؛ زیرا هنوز تعصب‌های جاهلیت موجود بود و خلق و خوی عصر شرک در بسیاری از افراد مُسن ریشه‌کن نشده بود؛ چنان‌که آثارش پس از رحلت آن حضرت صلی الله علیه و آله آشکار شد و دیدیم که بنی‌امیه بیشترین ستم را بر عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روا داشتند و فجایعی ننگین در خانه خدا به بار آوردند. خطبه غدیر می‌گوید: در جامعه اسلامی که حق حاکمیت با احکام خداست، باید فقهی متخصص در اصول و فروع دین و اسلام‌شناسی آگاه به زمان و جریانات سیاسی در رأس هرم حکومت قرار گیرد. او باید شخصی پارسا و دور از هوی و دل‌آگاه و بصیر باشد تا بتواند با یاری و مشورت با متخصصان سیاسی و اهل فن، مدیریت کلی جامعه را در دست داشته باشد و راهبر و هدایتگر شود؛ همچنین باید تاجایی که امکان دارد، بر اجرای عدالت علوی پای فشارد و عزت و استقلال مسلمانان و حفظ

شعور کشور اسلامی را در نظر داشته باشد... .

این کلیاتی است که از خطابه غدير استنباط می‌شود و پیش از آن، قرآن با آیاتی مانند: ﴿وَمَنْ لَمْ يَخُكْمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾؛ (و آنان که به احکامی که خدا نازل کرده است، حکم نمی‌کنند، کافرند.) رسول خدا ﷺ این احکام را به ما آموخته‌اند و در سیره و سنت ایشان نیز اجرا شده است.

شاید پرسیده شود: «چرا اهل سنت چنین عمل نمی‌کنند و اصولاً بینش حکومتی آن‌ها چیست؟»

مطمئن‌ترین جواب که دور از پیش‌داوری یا تعصب باشد، آن است که به نقل قول علمای آنان پردازیم؛ پس مرور می‌کنیم:

حافظی بزرگ و محدثی معروف به نام 'محي الدين يحيى نَوَوِي شافعي'<sup>۲</sup> در شرحش بر صحیح مسلم می‌نویسد: «همه اهل سنت از فقها و محدثین و متکلمین بر این عقیده‌اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا، عزل و خلع نمی‌شود و خروج و قیام علیه او جایز نیست؛ فقط باید او را پند داد.»<sup>۳</sup>

'مُسْتَمَلِي بخارائی' که دانشمندی است صوفی مسلک، پیش از او، با بسط و شرح بیشتر در همین باره می‌نویسد: «نزدیک معتزله<sup>۴</sup>، چون امامت

۱. مائده، ۴۴: آیات ۴۵ و ۴۷ این سوره نیز با تفاوت کلمه آخر آیه (الکافرون و الفاسقون)، همانند همین آیه است.

۲. وفات: ۶۷۶.

۳. المنهاج، حاشیه ارشاد الساوی شرح صحیح بخاری، ج ۸، ص ۳۶، به نقل از: حماسه غدير، ص ۵۶.

۴. مقصودش شیعه است. در قدیم بعضی نویسندگان به خطا، شیعه را چون در حُسن و قبح

جز در اولاد علی علیه السلام نباید که باشد؛ غیر ایشان، خود سلطان نباشد و بر وی خروج کردن فریضه باشد و کشتن او حلال باشد و باز نزدیک اهل سنت و جماعت، سلطانِ جائر، همچنان سلطان باشد که سلطان عادل و نشاید بر او خروج کردن و طاعت داشتن او را در آنچه طاعت خدای عزّ و جل در اوست و آنچه در او معصیت است، طاعت نشاید داشتن؛ لیکن باین همه، سلطان نباید دانستن و از پس او نماز باید کردن!...»<sup>۱</sup>.

برای زدودن تردید و شگفتی از چنین عقاید جاهلانه و بی منطق، شما خوانندگان عزیز را به کتاب گرانسنگ الغدیر<sup>۲</sup> ارجاع می‌دهیم تا ملاحظه کنید که متکلمان (علمای عقاید) و دانشمندان بزرگ اهل سنت مانند: باقلانی در التمهید<sup>۳</sup>، تفتازانی در شرح مقاصد<sup>۴</sup>، قاضی ایجی در مواقف و دیگران نیز، همه نظیر چنین عقایدی را ابراز داشته‌اند و آراء سیاسی و موضع‌گیری آن‌ها در برابر حاکمان ستمگامی و عباسی و بعد از آنان، همه بر همین اساس مبتنی بوده است. این در تاریخ مسلمانان، واقعیتی است روشن و تأسف آور. ادامه همین تفکر سیاسی و حکومتی است که امروز شاهان سعودی می‌توانند خود را صاحب اختیار و حاکم نزول گاه قرآن و زادگاه اسلام، یعنی کشور عربستان، بدانند و با تبعیت از آمریکا، به صهیونیسم جرأت و جسارت تسلط بر بخشی از سرزمین‌های مسلمین را بدهند. گویی آیه شریفه: (وَلَا تَزْكُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...

عقلی با معتزله مشترک هستند، به نام معتزله خوانده‌اند.

۱. شرح التعرّف لمذهب التصوف، چاپ لکنهو، ج ۲، ص ۳۰.

۲. الغدیر، ج ۷، ص ۱۳۶ تا ۱۴۵.

۳. التمهید، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۴. شرح مقاصد، ص ۲۷۲.

(۱) و دیگر آیات همانندش را نخوانده‌اند!  
 اما شیعه به برکت خطبه غزای غدیر خُم و احادیث معصومان علیهم‌السلام از  
 عترت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نه تنها سلطان و حاکم، بلکه حتی عالمی را  
 هم که دنیا دوست و مقام پرست باشد، از نظر شرعی قابل اعتماد نمی‌داند؛  
 چراکه در روایتی از امام جعفر صادق علیه‌السلام، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:  
 «فقیهان، امانتدار پیامبران هستند؛ تا زمانی که در دنیا وارد نشده باشند.»  
 گفته شد: «ای رسول خدا! مقصود از داخل شدن آن‌ها در دنیا چیست؟»  
 پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پاسخ فرمودند: «پیروی از سلطان که وقتی چنین  
 کردند، از آنان دربارهٔ امور دینتان برحذر باشید...»<sup>۲</sup>  
 سلطان نیز کسی است که نه متکی بر آراء مردم، بلکه با قوهٔ قهریه به  
 مردم تسلط یافته و حکمرانی کند.

سپاس خدای را که پس از چهارده قرن، فرزندی از دودمان امامان  
 معصوم علیهم‌السلام، فقیه مجاهد، امام روح‌الله خمینی رحمه‌الله برای خدا قیام کرد و  
 با یاری ملتی سلحشور، توانست پیام غدیر را به گوش جهانیان برساند و  
 عملاً حکومت اسلامی را پس از همه‌پرسی پایه‌گذاری کند.

اینک سی‌وسه سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد؛ ملت ایران به توفیق الهی  
 و عنایات حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌المشرف و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی،  
 مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته است و بلندتر و توفنده‌تر از پیش،  
 پیام غدیر را در آثار فرهنگی خود به گوش جهانیان می‌رساند و آنان هم

۱. هود، ۱۱۳: (و بر ظالمان تکیه نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و در آن  
 حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید.)  
 ۲. الأصول من الکافی، ج ۱، باب المستأکل بعلمه و المباهی به، ص ۴۶.

با انقلاب علیه شاهان مستبد مال اندوز نوکرمآب خود، برای کشورهای خود، جمهوری اسلامی را می طلبند.